

## پیکار اعراب و اسرائیل در آثار غاده السمان

سمیه آفاجانی یزدآبادی\*

۴۳

### چکیده

بخش قابل ملاحظه‌ای از پویش‌های سیاسی جوامع را می‌توان از لابه‌لای رمان‌ها و نقدهای ادبی استخراج نمود. این رویه در مطالعات علوم سیاسی ایران، غریب است. با توجه به این خلاء اساسی، مقاله حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که اسرائیل و اقدامات تجاوزکارانه آن چگونه ذهن اجتماعی عرب به‌ویژه دغدغه‌های فکری روشنفکران اعراب را متأثر می‌سازد؟ نویسنده با مرور رمان‌های غاده السمان به بررسی این فرضیه می‌پردازد که السمان با عطف توجه اعراب به اقدامات اسرائیل، آنها را از نیات آتی اسرائیلی‌ها آگاه می‌سازد اما گرفتاری‌های روزمره و کامرانی‌های متعارف در بازارها و اماکن تفریحی اعراب، آنها را از نیات آتی اسرائیل غافل داشته و عقبه و وجدان سیاسی اعراب هنگامی متوجه تحول اوضاع می‌شود که اسرائیل کاشانه آنها را اشغال و ویران کرده است.

واژگان کلیدی: غاده السمان، بیروت ۷۵، شب ملیار، اشغال، گفتمان داستانی

\* دکتری ادبیات عرب از دانشگاه دمشق، استاد مدعو دانشگاه تهران، پردیس قم

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره چهارم و اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۵۲ - ۴۳.

♦ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

غاده السمان از سرشناس‌ترین بانوان نویسنده عرب در قرن بیستم شمرده می‌شود. او بیش از چهل رمان، مجموعه داستان کوتاه، دیوان شعر، مجموعه مقالات اجتماعی، ادبی و سیاسی به چاپ رسانده است. این بانوی نویسنده از دهه شصت تا امروز کوشیده است جایگاه ناشایست انسان عرب و به‌ویژه زنان عرب را در جوامع عربی به نمایش بگذارد. او همچنین چالش‌هایی را به تصویر می‌کشد که عرب‌ها در قرن بیستم دست به گریبان‌شان بوده‌اند.

همان‌گونه که می‌دانیم، اسرائیل یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اعراب در قرن بیستم بوده است. غاده السمان در رمان‌های خود می‌کوشد سیمایی از اسرائیل و شکست عرب‌ها از این رژیم اشغال‌گر به‌دست دهد. او می‌خواهد با نشان دادن جنگ و پیامدهای ناگوار این پدیده، روشنفکرانه در برابر جنگ مقاومت کند. دکتر حسین جمعه می‌گوید: «ادبیاتی که بحران‌ها را به تصویر می‌کشد، ادبیاتی انسانی است و نشان از متعهد بودن نویسنده دارد.»<sup>۱</sup> بنابراین غاده السمان را نویسنده‌ای پایبند می‌توان شمرد. غاده السمان از یک سو جنایاتی را که اسرائیل در لبنان مرتکب شده است وصف می‌کند و از سوی دیگر، ریشه‌های شکست اعراب از این رژیم اشغال‌گر را می‌کاود. نگارنده در این پژوهش به دنبال این است که ارزیابی غاده السمان از جنگ‌های اعراب و اسرائیل را به تصویر بکشد؛ چراکه نمایاندن نگاه این نویسنده که یکی از پرآوازه‌ترین دگراندیشان امروز جهان عرب است، خواننده ایرانی را با نگاه روشنفکران عرب به چالش اسرائیل آشنا خواهد کرد. این مقاله از یک سو سیمای اسرائیل در جنگ با لبنان را در رمان‌های این نویسنده بررسی می‌کند و از سوی دیگر، به ریشه‌های شکست عرب‌ها از اسرائیل در آینه نگاه او می‌پردازد.

### ۱. سیمای اسرائیل در جنگ با لبنان

غاده السمان در رمان‌های خود روی نشان دادن جنایات‌های اسرائیل خیلی درنگ نمی‌کند. او بیشتر می‌کوشد ریشه‌های اصلی شکست اعراب از اسرائیل را بیابد. او در نخستین رمان خود یعنی رمان بیروت ۱/۵ به‌گونه‌ای گذرا و شتابناک، جنگ و دندان نشان دادن اسرائیل و شاخ و شانه کشیدن نیروی هوایی این رژیم را بر فراز آسمان بیروت و بی‌تفاوتی مردم در خیابان‌های این شهر را

نشان می‌دهد این رویدادها در دهه هفتاد یعنی پیش از اشغال بیروت از سوی اسرائیل رخ می‌دهد او به خواننده نشان می‌دهد چگونه هواپیماهای اسرائیلی دیوار صوتی را می‌شکنند و ترس را در دل شخصیت اصلی داستان «یاسمینه» که از دمشق به بیروت آمده است، می‌ریزند:

«صدای ترسناک انفجار سختی را می‌شنود سرتاسر قایق می‌لرزد یاسمینه یک باره از ژرفا به جهان واقعیت بر می‌گردد. پیش از آن که بپرسد چی بود؟ صدای انفجاری دیگر می‌پیچد می‌پندارد بیروت در افق می‌لرزد انگار زمین لرزه است. چی بود؟ نمر بی خیال می‌گوید: هیچی. هواپیماهای اسرائیلی مثل همیشه دیوار صوتی را می‌شکنند»<sup>۲</sup>

یاسمینه با دیدن هواپیماهای اسرائیلی در آسمان بیروت به یاد جنایتهایی می‌افتد که اسرائیل در دمشق دست به آن می‌زند غاده السمان دوباره و این بار از زبان «فرح» یکی دیگر از شخصیت‌های داستان که در خیابان بیروت شاهد رقص انتری است، پرواز هواپیماهای اسرائیلی و بی تفاوتی مردم بیروت را نشان می‌دهد: «یکهو صدای یک انفجار همه چیز را لرزاند: خیابان، مردم، انتر، لوطی، انگار نه انگار، نه ترسی داشتند و نه دلهره‌ای. برخی به آسمان نگریستند. برخی دیگر زحمت این کار را هم به خود ندادند هنوز همه حواسشان به انتر بود»<sup>۳</sup>

برخی از خبرنگاران ادبی در جهان عرب بر این باورند که رمان بیروت ۷۵ جنگ خانگی لبنان را پیش‌گویی می‌کند به نظر می‌رسد غاده السمان در این رمان نه تنها جنگ خانگی پانزده ساله لبنان را پیش‌گویی می‌کند، بلکه یورش اسرائیل به بیروت سال ۱۹۸۲ و اشغال چند روزه این شهر را با نمایاندن بی تفاوتی مردم بیروت نسبت به دشمنی اسرائیل نیز پیش‌گویی می‌کند او می‌خواهد به خوانندگان عرب بگوید که با جدی نگرفتن اسرائیل، یورش‌های رژیم اشغالگر اسرائیلی در سال‌های آینده افزون‌تر می‌شود این همان چیزی است که در سومین رمان نویسنده شاهد آن هستیم.

غاده السمان در سومین رمان خود یعنی رمان *شب ملیارد (لیله الملیار)* از نخستین صفحه‌های کتاب به سراغ محاصره و سپس اشغال بیروت از سوی اسرائیل می‌رود راوی دانای کل رمان می‌گوید: «می‌توانی هر جایی بمیری یا کلک هر که را خواستی بکنی. کسی مزاحم تو نمی‌شود و مگر هواپیماهای اسرائیل اعصاب را خرد نمی‌کند آنها سه روز است می‌روند و می‌آیند و همه چیز را بمباران می‌کنند زنده و مرده را، کودک و ورزشگاه را، مدرسه و انبار و بیمارستان را، زندان و زندانی و زندانبان را.»<sup>۴</sup>

بنابراین خواننده از نخستین صفحات رمان *سب ملیار* با رفتارهای ددمنشانه و غیرانسانی اسرائیلی‌ها در یورش ۱۹۸۲ به لبنان روبه‌رو می‌شود. آنها اماکنی مانند مدرسه، ورزشگاه و بیمارستان را می‌کوبند که غیرنظامیان و کودکان بی‌گناه در آنها هستند البته نباید گوشه و کنایه نویسنده به مردم لبنان را که در گرماگرم یورش اسرائیل به جنگ خانگی سرگرم بوده‌اند، فراموش کرد. غاده السمان با گفتن اینکه هواپیماهای اسرائیلی نه به زندانی رحم می‌کند و نه به زندانبان، کسانی را که در لبنان به کشت و کشتار و به بند کشیدن هم‌میهنان خود دست می‌زنند، به باد سرزنش می‌گیرد؛ چرا که برای دشمن خارجی تمام مردم یکی هستند.

نویسنده پس از پرداختن به یورش‌های هوایی اسرائیل از زبان شخصیت‌هایی که از نزدیک شاهد هواپیماهای دشمن هستند، در صفحه‌های بعد به بیان ویرانگری‌های این رژیم در بیروت از زبان آن دسته از شخصیت‌های رمان که در ژنو زندگی می‌کنند، دست می‌زند. افراد میهن‌پرستی چون «خلیل الدرع» و «نسیم» از تلویزیون جنایت‌های اسرائیل را می‌بینند و خواننده را در جریان این رفتارهای غیر انسانی قرار می‌دهند. این شخصیت‌های میهن‌پرست که ناچار به ترک میهن شده‌اند، از اینکه اسرائیل نگذارد مانند فلسطینیان به کشور خود باز گردند، نگرانند. نویسنده این‌گونه، خواننده را در جریان دل‌شوره‌های خلیل الدرع می‌گذارد:

«هراسی بزرگ به دلش چنگ می‌زند. پیشتر جگرش را نداشت که بهش بیندیشد: اسرائیلی‌ها بیروت را محاصره کرده‌اند. شاید اشغالش کنند. نکند آنها نگذارند او و دیگران به بیروت برگردند؟ آیا تنها به آنهایی که تو کشور هستند اجازه ماندن می‌دهند و جلوی بازگشت کسانی را گریخته‌اند، می‌گیرند؟ مگر چنین چیزی پیشتر تو فلسطین رخ نداد؟ نکند آوارهای بی‌خانمان شود؟»<sup>۵</sup>

این‌گونه، خواننده با غصه‌ها و دردهای یک لبنانی که کشورش آماج محاصره و اشغال اسرائیل است، آشنا می‌شود. نویسنده تنها جنایات اسرائیل در سال ۱۹۸۲ در بیروت را نشان نمی‌دهد، بلکه از یورش‌های این رژیم به جنوب لبنان یک سال پیش از این تاریخ نیز پرده برمی‌دارد. با بازگشت‌هایی که شخصیت‌های رمان به گذشته می‌کنند، خواننده از این جنایت‌ها در جنوب لبنان آگاه می‌شود. خلیل الدرع – مهم‌ترین شخصیت میهن‌پرست لبنانی در رمان – با یادآوری صحنه کشته شدن مادرش به دست نیروهای اسرائیلی، چهره یورشگر این رژیم را آشکار می‌کند:

«از زمان مرگ مادرم اشک به چشمم نیامده. مادرم تو روستا بود که نیروهای اسرائیلی خانه یکی از همسایه‌ها را محاصره و بمباران کردند. آنها می‌خواستند زهر خودشان را به کسانی که چریک‌ها را پناه داده بودند، بریزند. زن همسایه افتاد رو زمین. همسایه‌ها دورش گرد آمدند تا دلداری‌اش بدهند. مادرم دوید تا قلیون و تنباکو برای او بیاورد. سربازان اسرائیلی نمی‌گذاشتند مردم جلو بیایند. برای سلامت جان روستاییان گرد خانه حصار کشیده بودند. هیچ کس نمی‌داند مادر من چه جور با آن اندام ریزه میزه‌اش از لابه‌لای تفنگ‌های آنان گذشت تا بتواند نیاز زن همسایه را بر آورد و برای او قلیون فراهم کند. همین که پایش را دم در خانه می‌گذارد، خانه منفجر می‌گردد و جلوی چشم همه زیر گرد و خاک و آوار گم و گور می‌شود.»<sup>۶</sup>

غاده السمان رفتارهای ددمنشانه اسرائیلی‌ها در لبنان را در تک‌تک رمان‌های خود به‌ویژه در رمان شب ملیارد به نمایش می‌گذارد تا خواننده از یک سو با ماهیت خشن این رژیم آشنا شود و از سوی دیگر، به ریشه‌های شکست اعراب از اسرائیل بیندیشد. نویسنده آن اندازه که به ریشه‌یابی شکست اعراب در رمان‌های خود می‌پردازد، کمتر به نشان دادن ماهیت درنده خوی اسرائیل دست می‌زند؛ چرا که رفتارهای ددمنشانه اسرائیلی‌ها، کمابیش برای جهانیان آشناست. گویا آنچه از نگاه نویسنده اهمیت دارد، ریشه‌یابی این ماجراست. در بخش دوم بر ریشه‌یابی شکست اعراب از نگاه غاده السمان درنگ می‌کنیم:

## ۲. ریشه‌یابی شکست اعراب از اسرائیل:

غاده السمان آن قدر که دشمن خانگی اعراب- که همان حکومت‌های خودکامه در کشورهای عربی و نادانی مردم عرب است- را به پرسش می‌کشد، رژیم اشغال‌گر اسرائیل را سرزنش نمی‌کند. این نویسنده در رمان بیروت ۷۵ بی‌تفاوتی مردم لبنان به خطر اسرائیل را که با جنگنده‌های خود دیوار صوتی را می‌شکنند، سرزنش می‌کند. نویسنده از اینکه لبنانی‌ها برای تهدیدهای دشمن بیگانه تره هم خُرد نمی‌کنند، خرده می‌گیرد. غاده السمان در این کتاب همه لبنانی‌ها را مردمی سهل‌انگار نشان می‌دهد. او از یک سو بی‌تفاوتی فرادستان و خداوندان زر و سیم را نسبت به شاخ و شانه کشیدن‌های اسرائیل رو می‌کند و از سوی دیگر، خونسردی طبقه متوسط میانه جامعه لبنان را در برابر این دشمن

نشان می‌دهد در صحنه‌ای که یاسمینه از سر و صدای هواپیماهای اسرائیلی هراس به دلش می‌افتد، دوست او «نمر» که نماینده طبقه فرادست لبنانی در رمان است، به او می‌گوید: «اینها هواپیماهای اسرائیلی هستند که مثل همیشه دیوار صوتی را می‌شکنند. سینه را پیش آور.»<sup>۷</sup>

جمله پایانی این نقل قول نشان می‌دهد چگونه در شرایطی که هواپیماهای اسرائیلی در آسمان بیروت چنگ و دندان نشان می‌دهند و صدای انفجار همه جا پیچیده است، فرادستان جامعه لبنان سرگرم کامرانی و خوش‌گذرانی‌های خویش و بی‌خیال سرنوشت میهن خود هستند. غاده السمان در گفت‌وگوهای دیگری که میان یاسمینه دل‌نگران و نمر بی‌خیال صورت می‌گیرد، باز این خونسردی زورمندان را در بیروت می‌نماید: «چیزی نیست ما آمیخته شدیم. کاری نمی‌کنند آزاری برای ما ندارند می‌خواهند چریک‌ها را بترسانند همین!»<sup>۸</sup>

همان‌گونه که پیشتر گفتیم، غاده السمان تنها بی‌تفاوتی فرادستان بیروت را نسبت به خطر اسرائیل گوشزد نمی‌کند، بلکه خونسردی همه مردم بیروت را در برابر دشمن نیز فاش می‌کند. مردمی که سرگرم رقص انتر هستند و هواپیماهای اسرائیلی را بر فراز سر خود جدی نمی‌گیرند این در حالی است که انتر از سر و صداهای غیر طبیعی می‌لرزد و می‌ترسد: «انتر با شنیدن صدای انفجارها با دو دست چهره‌اش را پوشاند و لرزان روی زمین چندک زد. زیر بار فرمان‌های لوطی هم نمی‌رفت. وقتی لوطی با چوب دستی به جانش افتاد، دست‌هاش را از جلو رویش برداشت. انگار نمی‌خواست ببیند چه دارد پیش می‌آید صورتش را رو به پیاده رو گرفت و پشت به همه تماشاچیان کرد و نالان زد زیر گریه. مردم هرهر خندیدند.»<sup>۹</sup>

غاده السمان نشان می‌دهد که چه قدر مردم عرب در برابر سرنوشت کشورشان بی‌تفاوت هستند. نویسنده در رمان *شب ملیار* نیز پرده از این بی‌خیالی مردم عرب نسبت به سرنوشت کشور و تهدیدهای اسرائیل بر می‌دارد. خواننده از صفحه‌های آغازین رمان شاهد زد و خورد لبنانی‌ها با یکدیگر در زیر آتش جنگنده‌های اسرائیلی است. «خلیل الدرع» که شخصیت میهن‌خواه لبنانی در این داستان است، جنگ خانگی هم‌زمان با یورش اسرائیل به لبنان را به پرسش می‌کشد و می‌گوید: «از همه سو آتش می‌بارد. هواپیماهای اسرائیل می‌کوبند با این همه هم‌پیمانان دیروز او به خاطر اختلافات ناچیز و چیزهای کوچک گذرا دنبال او افتاده‌اند. انگار پرده‌ای جلوی چشم‌های آنها را گرفته.

کسانی آتش به چوبه‌های دار زده‌اند، ولی میرغضب همچنان دارد ریسمان گره می‌زند و دور گردن او می‌بندد. ککش هم نمی‌گردد که کسی آمده تا هر دوی آنها را به آتش بکشد.<sup>۱۰</sup>

این‌گونه غاده السمان دشمنی لبنانی‌ها با یکدیگر را که دشمن اساسی خود یعنی اسرائیل را به فراموشی سپرده‌اند، نکوهش می‌کند. او بر این باور است که این جنگ‌های خانگی راه اسرائیل را برای اشغال و محاصره بیروت هموار کرده است. خلیل الدرع که دوستان هم‌حزبش او را به گناه دگراندیشی به مرگ محکومش کرده‌اند، گمان می‌کند که این دوستان با دیدن جنگنده‌های اسرائیلی بر فراز سر خود لوله‌های تفنگشان را به سوی دشمن بیگانه نشانه بگیرند ولی ناباورانه می‌بینند که هم‌میهنان او را دشمن‌تر از اسرائیلی‌ها می‌دانند. شگفت‌انگیز آنکه هواپیماهای دشمن بیگانه او را از چنگ دشمن خانگی می‌رهانند و با بمباران خودروی هم‌حزبی‌های آدمکش خلیل باعث می‌شوند که او جان سالم به در برد. این چنین غاده السمان جنگ خانگی را در هنگامه یورش دشمن بیگانه محکوم می‌کند. وی برای ریشه‌یابی شکست‌های اعراب از اسرائیل بر دشمن خانگی تکیه می‌کند؛ چرا که «زد و خورد خودی‌ها راه دشمن را برای محاصره کشور هموار می‌کند»<sup>۱۱</sup>

می‌توان گفت گفتمان داستانی غاده السمان که اندیشه انتقادی خود را بر عوامل درونی شکست در برابر دشمن بیگانه استوار می‌کند، ادامه گفتمان داستانی لبنانی‌ها و اعراب است. دکتر «یمنی العید» استاد سرشناس لبنانی می‌گوید: «نویسندگان عرب می‌خواهند آگاهی تازه‌ای را در گفتمان فراگیر فرهنگی جهان عرب بدمند که با برجسته کردن دشمن بیگانه واقعیت‌ها را تحریف می‌کند»<sup>۱۲</sup>

غاده السمان جنگ در برابر دشمن بیگانه را می‌ستاید. او کسی را که در جنگ خانگی کشته می‌شود با کسی می‌سنجد که در جنگ در برابر اسرائیل دشمن به شهادت می‌رسد. در رمان *شب ملیارد* «کفی» - یکی از شخصیت‌های مادر داستان - مرگ دختر همسایه که اسرائیل او را کشته است و مرگ دختر خودش که در پی درگیری لبنانی‌ها با یکدیگر کشته می‌شود، می‌سنجد و می‌گوید:

« غروب روزی که اولین بار جنگنده‌های اسرائیلی ورزشگاه را بمباران کردند، همسایه ام تکه پاره‌های دختر بچه‌اش ندی را آورد. او تو اتوبوس مدرسه در راه خلد کشته شده بود. همراه او خیلی گریه کردم. با دل پر غصه برای و داد گریستم. او هم برای ندی اشک می‌ریخت. دریافتم راستی راستی

مزه مرگ یکسان نیست. اگر دردانه‌ها به دست دشمن کشته شود، مرگش ارزش داشته ولی اگر جگر گوشه‌ها به دست خودی‌ها کشته شود، بیهوده مرده است. ندی شهید شد و داد نغله»<sup>۱۳</sup>

این چنین نویسنده می‌کوشد نشان دهد دشمن حقیقی اسرائیل است. از همین رو کسی که به دست این رژیم کشته می‌شود، شهید به شمار می‌آید و هر کس به دست هم‌میهن خود کشته شود، در حقیقت «نغله» شده و مرگش بی‌ارزش است. غاده السمان در *رمان شب ملیارد* نیز می‌کوشد برخی دیگر از ریشه‌های شکست‌های اعراب از اسرائیل را بررسی کند. او در این کتاب کارشکنی عرب‌های مقیم غرب را که از ریختن آب به آسیاب جنگ‌های خانگی سود می‌برند، رو می‌کند و نشان می‌دهد چه عرب‌های خون‌خواری از نادانی و تعصب‌های مردم بهره می‌گیرند و با سرنوشت مردم ساده لوح بازی می‌کنند. خواننده در این رمان با زندگی و رفتار عرب‌هایی آشنا می‌شود که به کشورهای خود اسلحه قاچاق می‌کنند و از در گرفتن جنگ میان هم‌میهنانشان سودهای بسیاری می‌برند. آنها با این کار آب به آسیاب دشمن بیگانه که همان اسرائیل است می‌ریزند و مایه پیروزی این رژیم بر اعراب درگیر اختلافات حزبی و مذهبی می‌شوند. این افراد «مردمشان را در حمام‌های خون می‌فروشند تا خود دزدکی در حمام‌های زر شنا کنند»<sup>۱۴</sup>

غاده السمان در کتاب *رمان ناممکن: کاشی دمشق*، به شکست‌های ارتش سوریه در دهه پنجاه در برابر اسرائیل اشاره می‌کند. سوری‌ها در آن زمان با جنگ‌افزارهای ناکارآمد با اسرائیل می‌جنگند. این جنگ‌افزارها را سران سوریه خریداری کرده‌اند «کسانی که با پولی که از خرید این جنگ‌افزارهای پوسیده به چنگ می‌آورند، برای زن‌هایشان از پاریس رخت و لباس می‌خرند»<sup>۱۵</sup>

از همین رو نویسنده دشمن خانگی؛ یعنی همان حکومت خودکامه وقت سوریه را یکی از ریشه‌های شکست سوریه از اسرائیل می‌داند. سرهنگ معین یکی از سران حکومت سوریه می‌کوشد ریشه‌های شکست اعراب از اسرائیل را جستجو کند: «می‌دانم که ما با هم هماهنگ نیستیم. میان ما عرب‌ها هیچ کس به دیگری اعتماد نمی‌کند. برخی مان تو سرزمین فلسطین منافع ویژه داریم. درست است که اسرائیل مزعوم بارهای بزرگ سلاح از انگلیس و چکسلواکی دریافت کرده تا قرار بالفور را به انجام برساند، ولی از ماست که برماست. من هیچ‌گاه این گناهمان را نبخشیدم. از درون درهم شکستیم و پاک امیدمان را به پیروزی بر یهودیان از دست دادیم»<sup>۱۶</sup>



اینجا نویسنده با بهره‌گیری از مثل عامیانه که می‌گوید: «از ماست که بر ماست»، یک بار دیگر ریشه همه شکست‌های اعراب از اسرائیل را به گردن دشمن خودی که همان زورمندان و فرصت‌طلبان و خودکامگان هستند، می‌اندازد. درست است که اسرائیل از کمک‌های غربی بهره‌مند شده است، ولی نویسنده نمی‌تواند گناه دولتمردان عرب را که در رویارویی با دشمن بیگانه یک دل و یک صدا نیستند، بیخشاید.

### نتیجه‌گیری

۵۱

غاده السمان می‌کوشد جنگ را برهنه کند و حقیقت درگیری‌های موجود در کشورهای عربی را آشکار سازد. این نویسنده در نوشته‌های خود از یک سو رفتارهای ددمنشانه اسرائیل را نشان می‌دهد و از سوی دیگر بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری عرب‌ها را در برابر چالش‌های پیش‌روی میهنشان آشکار می‌کند. او می‌کوشد نگاه را به دشمنان خانگی بکشاند. کسانی که درد مشترک ندارند و با افروختن آتش جنگ‌های خانگی میان مردم عرب آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. از همین رو نویسنده آن اندازه که ویرانی‌های به‌جا مانده از زد و خوردهای خانگی در لبنان را به‌تصویر می‌کشد، بر نمایاندن ویرانی‌های به‌جا مانده از یورش‌های اسرائیل تکیه نمی‌کند. این نشان‌دهنده تأکید نویسنده بر زیان‌های جنگ‌های خانمان‌سوز خانگی است که از خودخواهی و خودکامگی کسانی برآمده که دیوار اتاق خوابشان مرز راستین میهنشان است. این درحالی است که حکومت‌های خودکامه عربی می‌کوشند همه رنج‌های مردم عرب را گردن دشمن بیگانه یا استعمار غربی بیندازند.<sup>۱۷</sup>

غاده السمان در گفت‌وگویی از انگیزه خود در محکوم کردن دشمن خانگی پیش از دشمن بیگانه می‌گوید: «بیروت واقعا با یورش اسرائیلی‌ها محاصره نشد. چنانچه بیروت را چیزهای دیگر محاصره نکرده بودند اصلا اسرائیل نمی‌توانست آن را محاصره کند. کسانی را که اسرائیل تو بیروت محاصره کرد از خیلی وقت پیش محاصره بودند. دیوارهای نادیدنی سلول گرد مردم همه کشورهای عربی را گرفته است. گذشته از اینها انسان عرب با باور کردن برخی از ارزش‌های به‌جا مانده از دوران‌های انحطاط، خود دور خود حصار می‌کشد»<sup>۱۸</sup>

### منابع و یادداشت‌ها:

١. عمار النعمه، «د حسين جمعه محاضراً: الإبداع رساله وموقف»، جريده الثوره، العدد ١٣٨٤٩، الثلاثاء، ٢٤ شباط ٢٠٠٩، ص ٧.
٢. غاده السمان، بيروت ٧٥، منشورات غاده السمان، ط ٤، ١٩٩٣، ص ١٥.
٣. همان، ص ١٨.
٤. غاده السمان، ليله المليار، منشورات غاده السمان، ط ٣، ٢٠٠٢، ص ١٠.
٥. همان، ص ٢٥٧.
٦. همان، ص ١٣٢/١٣٣.
٧. غاده السمان، بيروت ٧٥، ص ١٥/١٦.
٨. همان، ص ١٦.
٩. همان، ص ١٨.
١٠. غاده السمان، ليله المليار، ص ١٢.
١١. همان، ص ١٧.
١٢. د. يمني العيد، الكتابه: تحول في التحول، بيروت، دار الآداب، ط ١، ١٩٩٣، ص ٣١.
١٣. غاده السمان، ليله المليار، ص ٢٠.
١٤. همان، ص ٧٧.
١٥. غاده السمان، الروايه المستحيله - فسيفساء دمشقيه - منشورات غاده السمان، ط ٣، ٢٠٠٤، ص ٣٢٩.
١٦. همان، ص ٣٢٩.
١٧. د. يمني العيد، الكتابه: تحول في التحول، ص ٣٠، بتصرف.
١٨. غاده السمان، تسكع داخل جرح الأعمال غير الكامله ١٤، بيروت، منشورات غاده السمان، ص ٢٠٣.